

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی

دانشگاه فردوسی مشهد

شماره مقاله: ۳۴۹

باز هم بحثی درباره تعریف جغرافیا

Dr. M. H. Papoli Yazdi

Ferdowsi University of Mashhad

Again, a discussion about the definition of "Geography"

In the first issue of Geographical Research Quarterly Dr. Papoli Yazdi presented a new definition of "geography".

In 16th issue an explanation was published about it and now this is a clarification. For students sake, in order to a better perception, Dr. Papoli has introduced the traditional definition - « Geography is mutual connections between man and nature ».

He expressed « Geography is mutual connections among man (culture), technic, management and environment ».

چهل فصل پیش وقتی «فصلنامه تحقیقات جغرافیایی» را بنیان گذاردم، اولین مقاله‌اش را تحت عنوان تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا نوشتم. چرا؟

چون می‌خواستم بحثهای فلسفی در جغرافیای ایران شکوفایی بیشتری پیدا کند. من با نظر آقای دکتر حسین شکویی که در سال ۱۳۶۴ اعلام داشتند جغرافیای ایران فاقد تفکرات فلسفی است موافقم (هرچند امروز با تلاش تنی چند بخصوص آقای دکتر شکویی بحثهای فلسفی رونقی نسبتاً خوب گرفته است).

بحثهای (اپیستمولوژیکی یا پارادایم) فلسفی و ایدئولوژیکی و نظری سنگ پایه‌های هر علمی

است. بدون درک مسائل فلسفی و بدون اتکا به اندیشه و نظرات نو، کارهای علمی بارآوری لازم را نخواهد داشت.

مقاله شماره یک فصلنامه تحقیقات جغرافیایی به هدف خود که ایجاد فضای بحث و نقد در جغرافیای ایران بود نائل آمد. نقدهای متعددی در مجلات بویژه مجله شریف «رشد آموزش جغرافیا» به چاپ رسید. برای رفع ابهامات در فصلنامه شماره ۱۶، تعریف خود را بیشتر توضیح دادم و موضوع را بیشتر شکافتم. اما لازم می‌دانم که ۱۰ سال بعد از اولین مقاله و ۶ سال بعد از مقاله تکمیلی باز هم مطلب را توضیح دهم. یکی از ابهامات اولیه آن بود که تصور شده بود من با عنوان کردن تکنیک، مسائل فرهنگی را نادیده می‌گیرم (هرچند که تکنیک بویژه تکنیک بومی خود یکی از ابعاد مادی فرهنگ است). در فصلنامه شماره ۱۶ توضیح دادم که از نظر من انسان و فرهنگ او از هم جدا ناشدنی است. هویت هر فرد و هر جامعه به فرهنگ آن فرد و یا آن جامعه بستگی دارد. انسان و جامعه بدون فرهنگ وجود ندارند. بنابراین وقتی در تعریف جغرافیا می‌گویم انسان، لاجرم منظورمان انسان و فرهنگ اوست.

فرهنگ مجموع مسائل مربوط به حالات درونی انسان و یک جامعه است. اگر در تعریف ارائه شده در فصلنامه شماره یک بیشتر تکنیک را توضیح دادم به دلایل زیر بود:

۱- تکنیک و استفاده از آن با وجود آنکه خود یک مسأله فرهنگی است بیشتر یک مسأله بیرونی و فیزیکی است.

۲- در طول تاریخ بشر تا انقلاب صنعتی ساخت و استفاده ابزار تکنیکی (در قسمت اعظم موارد) یک مسأله درونی جوامع بوده است. هر جامعه‌ای خود ابزار تکنیکی خود را می‌ساخته و خود استفاده می‌کرده است. کمتر اتفاق می‌افتاده است که وسیله‌ای در کشوری دور دست ساخته شود و به کشوری دیگر صادر گردد و بخصوص کمتر اتفاق می‌افتاده است که کارشناسان برای فرا گرفتن چگونگی بکارگیری وسایل به کشورهای دوردست روانه گردند. اما از انقلاب صنعتی به این سو ابزارهای تکنولوژیکی برای بیشتر جوامع بخصوص جهان سوم یک وسیله بیرونی یا وسیله وارداتی است.

۳- تکنولوژی جدید وسیله‌ای است که به جوامع امکان بهره‌برداری سریعتر، ارزاتر و ... را می‌دهد.

۴- از همه مهمتر این که تکنولوژی جدید وسیله‌ای است که به جهان پیشرفته بخصوص غرب امکان تجاوز فرهنگی را ارزانی می‌دارد. تکنولوژی جدید در جهت یکسان سازی فرهنگها طراحی می‌گردد و تا به حال تا حد مؤثری فرهنگهای سنتی را تحت تأثیر قرار داده است.

از دیدگاه آخری است که باید بیشتر مسأله را بشناسیم. آیا غرب بدون امکانات تکنولوژی مدیریتی و سرمایه‌ای می‌تواند فرهنگهای جهان سوم را مورد تحدید و تهدید قرار دهد؟

آیا بدون مسلح شدن به تکنولوژی و بکارگیری اصول مدیریت و تشکیلات جدید امکان جلوگیری از این تجاوزات وجود دارد؟

تکنیکهای بومی خود یکی از عوامل تمایز و تفاوت فرهنگی بین جوامع بوده است، اما صاحبان ابزارهای تکنولوژیکی جدید کوشش دارند تمایزات و تفاوتهای فرهنگی را از بین ببرند و جوامع یک دست و یکسانی را که همگی الگوهای مصرف مساوی و یا نزدیک به هم داشته باشند، به وجود آورند. استفاده از تکنولوژی جدید و یکسان، خود فی نفسه نمی تواند موجب تفاوتهای فرهنگی باشد.

همه تلاش نگارنده بر این است که ما راههایی را بیابیم که در عین استفاده از تکنولوژی و نظامهای مدیریتی و تشکیلات جدید تمایزات فرهنگی خود را پاس بداریم و فضاهای جغرافیایی را بر مبنای زیرساختهای فرهنگی خویش که مورد هجوم فرهنگ مهاجم واقع شده است بسازیم زیرا در غیر این صورت هویت فرهنگی خود را مورد تردید قرار داده ایم. فضا و چشم انداز جغرافیایی نتیجه فرهنگ بشری است. قوم، قومیت، ملت، ملیت و امت و فضای جغرافیایی که آنها را در خود جای می دهد نتیجه تلاش فرهنگی انسان است.

تکیه نگارنده بر تکنیک و مدیریت و تشکیلات در تعریف جغرافیا به معنی توجه دادن دانشجو به ابزاری است که موجب برتری امکانات غرب در تهاجم خود شده است. حرف آن است که برای پاسداری فرهنگ خود و برای خروج از حالت دفاعی و ورود به حالت تهاجمی می بایست به تکنولوژی و مدیریت و تشکیلات جدید مسلط شد و فضای جغرافیایی نوینی را ایجاد کرد. پاسداری فرهنگی با ابزارهای سنتی عملاً غیر ممکن است. چشم اندازهای جغرافیایی خود بخشی از فرهنگ بشری و در حقیقت یکی از نتایج فرهنگ هر جامعه است.

نگارنده دهها مقاله مستقیم و غیرمستقیم در زمینه های جغرافیای فرهنگی و نقش انسان و فرهنگ جوامع در تحولات و تطوّر چشم اندازهای جغرافیایی نگاشته است. رساله دکتری نگارنده جزو کتابهای جغرافیای فرهنگی و اجتماعی جای گرفته است. تکیه اساسی توضیحات چاپ شده در فصلنامه شماره ۱۶ بر مسائل فرهنگی است، لکن باز هم تعدادی از دانشجویان سؤالاتی در رابطه با تعریف مذکور دارند و بیشتر سؤالیهایشان تکیه بر تکنیک دارد. لذا لازم می بینم که کلمه فرهنگ را به تعریف خود اضافه کنم (هرچند که تصور من بر آن است که وقتی می گوئیم انسان، فرهنگ نیز در آن مستتر است). من استفاده از ابزار تکنیکی را جزئی از فرهنگ می دانم اما سرعت کشفیات و اختراعات و ساخت ابزار جدید به حدی است که تکنولوژی جدید بیش از آنکه یکی از شاخصهای فرهنگهای جوامع باشد، بیانگر یک پدیده در خدمت تهاجم فرهنگی سازندگان آن بویژه جهان غرب است.

منابع و مأخذ

- ۱- پاپلی یزدی، محمدحسین، «تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، تابستان ۱۳۶۵، صفحات ۵۴-۹.
- ۲- پاپلی یزدی، محمدحسین، «تکمله‌ای بر مقاله «تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶، بهار ۱۳۶۹، صفحات ۲۴-۵.
- ۳- شکویی، حسین، «پاسخگویی به نقد و بررسی کتاب و مقاله»، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۶۷، ص ۴۹.
- ۴- شکویی، حسین، «جغرافیدانان ایران و مسائل مهم جامعه ما»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی جغرافی، شماره ۱، به کوشش دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، صفحات ۷۵-۶۱.
- ۵- شکویی، حسین، «نقد و بررسی کتاب»، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۶۶، ص ۴۸.
- ۶- گنجی، محمدحسن، «پیرامون تعاریف جغرافی»، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۱، صفحات ۲۹-۲۸.

7- Claval, Paul Géographie Culturele Edi, Nathan, Paris 1995. p. 384.